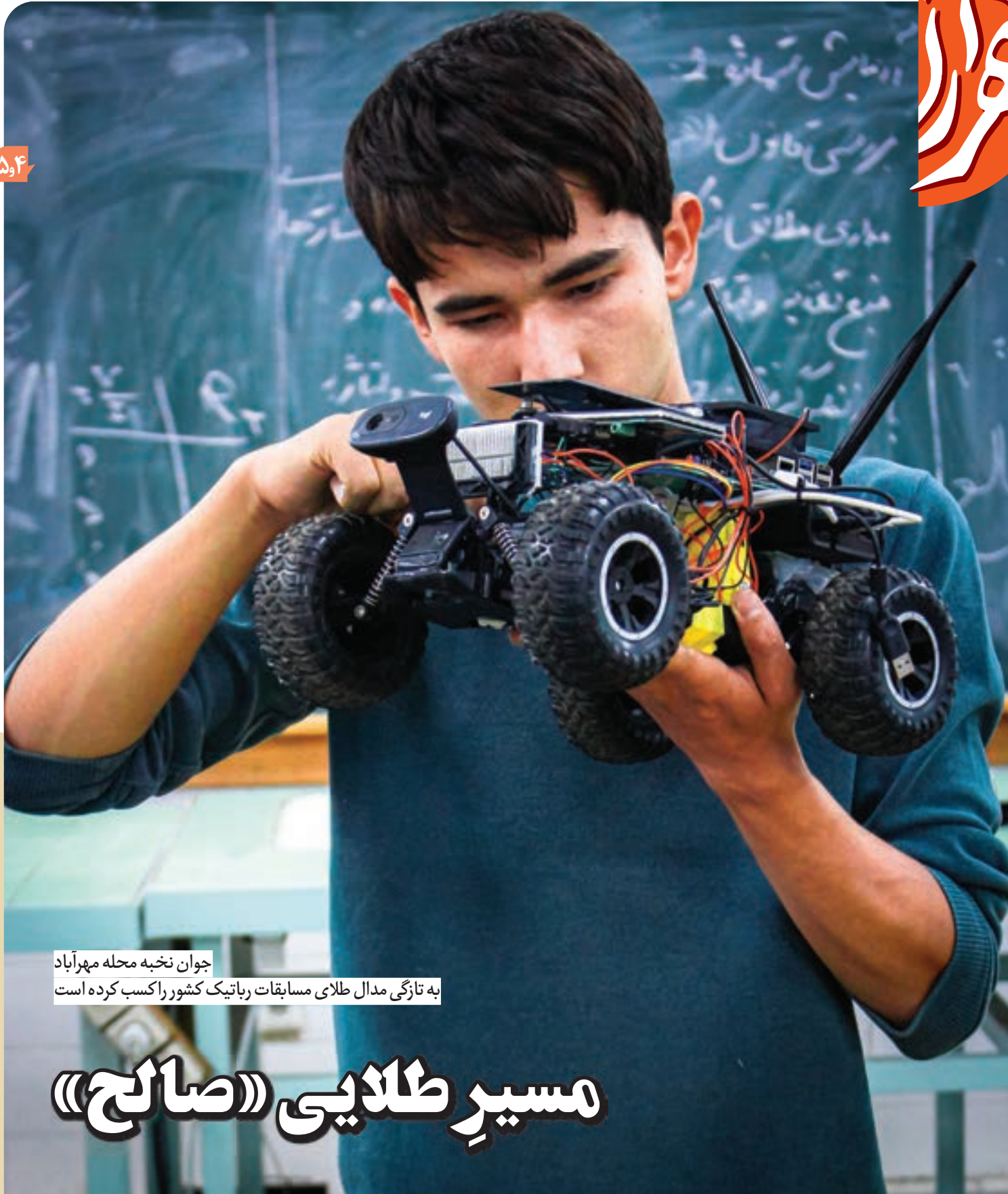


۵۴



جوان نخبه محله مهرآباد
به تازگی مدال طلای مسابقات رباتیک کشور را کسب کرده است

مسیر طلایی «صالح»

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

اعضای مرکز نیکوکاری، کارآفرینی و توانمندسازی
محله شهید رستمی، پای کار همسایگان نیازمندان هستند

تلاش همسایه
برای همسایگان گرفتار

۶



۳

با پیگیری شهرآرامحله
و همت مسئولان ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۶
مردم از مصائب خانه مخروبه موعود ۳۴ رها شدند
معتادان پشت در بسته

۷

ویژه برنامه شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)
در محله نیزه با استقبال خوب شهروندان همراه بود
غرفه های مهربانی در کوچه بنی هاشم(ع)

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.



● میزبانی از هم محلی ها در مهدی آباد

فعالان مسجد و حسینیه حضرت ابوالفضل (ع) محله مهدی آباد، هفته گذشته اغلب شب ها سفره پذیرایی ساده داشتند. این برنامه پرشور هر شب با سخنرانی واعظ شروع می شد و پس از بیان نکاتی درباره احکام دین و نکات اخلاقی، سفره های پذیرایی ساده از سوی اهالی دست اندرکار پهن می شد. فاطمه جهان بخش، ربابه حسینی و ترگس محمدپور سه بانوی خانه دار محله از شروع صبح تا شب در آشپزخانه مسجد وقت می گذاشتند تا غذای این پذیرایی فراهم باشد.



● دورهمی انتقال تجربه برای تشکل ها

عطائی پنجشنبه گذشته، مهدیه محله مهرآباد میزبان نمایندگان تشکل های فعال منطقه بود تا آنان در کارگاهی عملی، پروژه نویسی و ثبت درخواست ها در سامانه سما را تمرین کنند. همچنین نمایندگان سه تشکل موفق مشهد به نام «کانون فرهنگی میقات»، «قرارگاه پیشرفت باب الرضا (ع)» و «جبهه مردمی متی» به ترتیب در موضوعات اعتیاد، بازنمایی مثبت محله و نوجوانان، به انتقال تجربه های خود پرداختند. در پایان برنامه نیز مهمانان از خانه موزه فرهنگ و هنر «هنر زندگی» محله شهید آوینی بازدید کردند.

● درس امروز، کتابخانه!

هفته گذشته، جمعی از دانش آموزان و مسئولان مدرسه شاهد شهید عامل محله نیزه از کتابخانه شهدای مدافع حرم در خیابان شهید آوینی ۴۷ بازدید کردند. در این دیدار ابتدا دانش آموزان به اجرای برنامه شاهنامه خوانی پرداختند و در ادامه کتابدار این مجموعه، بخش های مختلف کتابخانه را معرفی کرد. بخشی از این دورهمی هم به صحبت درباره ارزش کتاب و کتاب خوانی از سوی مسئولان مدرسه گذشت. در پایان، دانش آموزان و کتابداران با اهدای هدایایی به یکدیگر خاطره خوشی را رقم زدند.



● در سوگ مادر

پنجشنبه شب، کانون فرهنگی «انعکاس» محله مهدی آباد با همراهی شورای اجتماعی این محله و پایگاه بسیج مبارکه، برنامه ای متفاوت برگزار کرد. در این برنامه که خاص بانوان برگزار می شد، ضمن عزاداری و خوانش ادعیه، نمایشی با موضوع بانو فاطمه الزهرا (س) برگزار شد. سپس سفره صلوات حضرت زهرا (س) پهن و آخرین خطبه بانو نیز از سوی نوجوانان محله قرائت شد.



بازخورد

در پی درخواست شهروندان و گزارش شهرآرامحله سرانجام مسیر منتهی به این مدرسه از خیابان شهید آرمون آسفالت شد

رفت و آمد آسوده در مسیر تحصیل

عطائی شهرآرامحله در تاریخ ۱۵ اردیبهشت و ۱۴ مهر امسال در گزارش هایی به پیگیری وضعیت ساخت دبستان جعفر برزگر و نیز درخواست والدین برای آسفالت مسیر دانش آموزان در خیابان های اطراف مدرسه پرداخت. شهردار منطقه ۵ در گزارش مهرماه، درباره آسفالت کردن مسیر تردد دانش آموزان در اسرع وقت قول داده بود و حالا با محقق شدن این وعده در نیمه آبان، مسیر مدرسه از سمت خیابان شهید آرمون آسفالت شده است و والدین دیگر نگران گلی ولای زمستانه نخواهند بود. این مدرسه هفته گذشته، با حضور مسئولان به طور رسمی افتتاح شد.



پیاده رودار شدن قسمت جدید بولوار کرامت

پس از اتمام عملیات زیرسازی ۷ هزار مترمربعی قسمت جدید بولوار کرامت، فاز دوم پروژه پیاده روسازی در این بولوار از سیزدهم آبان آغاز شد و هم اکنون در مرحله تایل گذاری و نصب سنگ فرش است. مبلغ قرارداد این پروژه ۱۰ میلیارد تومان برآورد شده است و پیاده روسازی حداقل میدان میامی تا انتهای بولوار کرامت را در برمی گیرد و پیش بینی می شود اجرای این مهم تا ابتدای دی ماه به پایان برسد. گفتنی است در فاز نخست پروژه پیاده روسازی بولوار کرامت، بیش از ۱۶۰۰ مترمربع سنگ فرش و تایل گذاری صورت گرفت.

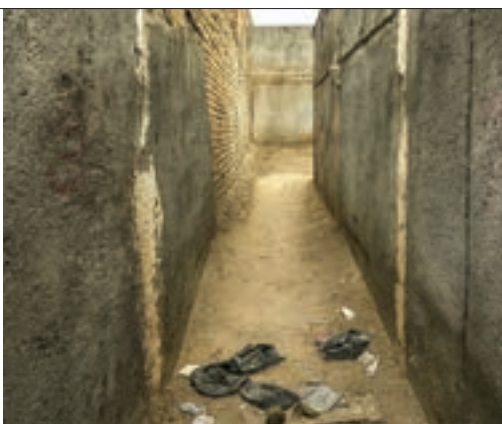


شهر خبر



کارخانه تولید رب محکوم شد!

شهرداری منطقه ۵ با همکاری اداره مرکز بهداشت شماره ۲ برای یکی از کارخانه های متخلف تولید رب که در محدوده بولوار شهید آوینی ۳۹ قرار دارد، پرونده تشکیل داد و اخطاریه های لازم را صادر و ابلاغ کرد. این کارخانه با راهسازی پساب در محلات مجاور، موجب ثبت شکایات متعدد از سوی شهروندان ساکن این محله و ایجاد آلاینده گی محیطی شده است. در حال حاضر پرونده این تخلفات به دادگاه ارجاع شده و رأی بدوی پلمپ برای این کارخانه تولیدی صادر شده است.



اوبه مسئله ناامنی هم اشاره می‌کند: موضوعی که به گفته او زنان و دختران این محله را نگران کرده است: «خودم و دخترم شب‌ها جرئت بیرون آمدن از خانه را نداریم و آمار دزدی و خفت‌گیری هم در این محله زیاد است.»

● محصور شدن زمین در پی تهیه گزارش

برای پیگیری وضعیت این زمین رها شده، بارئیس ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۶ گفت وگو کردیم. به گفته سیدمجید پورحسینی چون ملک خصوصی است، شهرداری اجازه دخل و تصرف مستقیم در آن را ندارد. با این حال، به گفته او نیروهای شهرداری طی ماه‌های گذشته چند بار به محل مراجعه کرده‌اند تا زباله‌ها و نخاله‌های انباشته را جمع کنند، اما این پاک‌سازی‌ها نتیجه نداشته، چون بخشی از همین زباله‌ها را برخی از اهالی داخل زمین رها کرده‌اند و این موضوع باعث نارضایتی سایر ساکنان شده است. پورحسینی در ادامه گفت: شهرداری برای تأمین امنیت محله، چند نوبت با نیروی انتظامی همکاری کرده است تا رفت و آمد افراد مزاحم کمتر شود.

او افزود: در چنین مواردی معمولاً به مالک اخطار داده می‌شود تا زمین را با دیوارکشی یا ایجاد یک ورودی قابل کنترل محصور کند.

بعد از این گفت‌وگو و تا فاصله انتشار گزارش، رئیس ناحیه ۲ شهرداری خبر داد که با پیگیری‌های انجام شده، مالک، یک در فلزی در ورودی کوچه باریکی که به این زمین منتهی می‌شود، نصب کرده است و دیگر امکان ورود به این زمین وجود ندارد.

● آتش روشن معتادان در شب

دیوارهای دوده‌گرفته آجری و نخاله‌های ساختمانی روی زمین حالا تنها چیزی است که از این خانه باقی مانده. این مکان اکنون محل شب‌نشینی معتاد هاست و تا صبح در آن آتش روشن کرده و مواد استعمال می‌کنند. این مخروبه مدت هاست به یکی از دغدغه‌های اصلی ساکنان محله تبدیل شده است.

غلامرضا شتی، مردی حدوداً پنجاه ساله که از کودکی همین جادر موعود بزرگ شده و همه پیچ و خم‌های محله را مثل کف دستش می‌شناسد، جلو می‌آید و می‌گوید: حداقل هشت سال می‌شود که این خانه همین طور رها شده است. اولش فقط خالی بود، اما کم‌کم مخروبه هم شد. الان تقریباً چیزی از آن باقی نمانده است و تبدیل به یک زمین خالی شده. صاحبش هم معلوم نیست کیست و کجاست.

● امنیت مختل شده

دشتی توضیح می‌دهد که قدمت بنا باعث شد بخش‌هایی از دیوارها فروبریزد و همین شکاف‌ها راه آسانی باز کرد برای ورود معتادان که اهالی از آن‌ها دل‌خوشی ندارند. حالا دیگر این مخروبه هیچ درو پیکری ندارد.

زهرخوش صحبت از دیگر ساکنان محله است. وقتی از او درباره وضعیت این زمین رها شده می‌پرسم، مشکل دیگری را هم در این باره مطرح می‌کند: «بعضی از اهالی زباله‌های خود را در این زمین‌ها خالی می‌کنند که علاوه بر ایجاد بوی نامطبوع، باعث جمع شدن گربه و حشرات می‌شود و سلامت ساکنان را تهدید می‌کند.»

قدمت بنا باعث شد
بخش‌هایی از دیوارها فروبریزد
و همین شکاف‌ها راه آسانی
باز کرد برای ورود معتادان که
اهالی از آن‌ها دل‌خوشی ندارند

با پیگیری شهرآرامحله

و همت مسئولان ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۶ مردم از مصائب خانه مخروبه موعود ۳۴ رها شدند

معتادان پشت در بسته

نیکو عقیده | وقتی پادر کوچه پس‌کوچه‌های محله کنه بیست (موعود) می‌گذاری، رد سال‌ها زندگی را روی در و دیوارها می‌بینی. بیشتر خانه‌ها قدیمی‌اند و بعضی‌شان هم رها شده‌اند. یکی از این خانه‌های متروکه که حالا مخروبه شده در انتهای موعود ۳۴ است. این زمین متروکه در انتهای یک کوچه باریک و بین دیگر خانه‌ها قرار دارد و حالا تبدیل شده به پاتوق معتادهایی که شب و روز به آن سر می‌زنند. آرامش کوچه را همین رفت و آمد‌های بی‌وقت گرفته است و ضایعاتی که در مخروبه جمع شده، هر روز چهره این کوچه را آشفته‌تر می‌کند. اهالی هم از امنیتی می‌گویند که مدت هاست در این کوچه کم‌رنگ شده است.

هم قدم

ع

اولویت درخواست‌ها، پیاده‌رو و لکه‌گیری آسفالت

نیکو عقیده | هفته گذشته طبق روال هر هفته امیرمضانی، شهردار منطقه ۶، در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حاضر شد تا پاسخ‌گوی درخواست‌های مردمی باشد. شهردار در این مدت به ۶ تماس پاسخ داد و پیگیری لازم برای رفع مسائل و مشکلات مطرح شده را انجام داد.

۱۳۷

ع

حوزه فنی و عمران

شهروندی از شهرک شیرین درخواست سنگ‌فرش شدن پیاده‌رو در انتهای خیابان شهیدداری ۵ را داشت. شهروند دیگری از خیابان حر ۵۴ نیز از مشکل وجود پستی و بلندی در آسفالت این خیابان گفت.

حوزه خدمات شهری

یک تماس مربوط به این حوزه بود. شهروندی ساکن محله کارمندان اول از سد معبر یک کارگاه میوه‌فروشی در خیابان چمن ۶۴ گلایه داشت. یکی از اهالی کوی عمار یاسر نیز مشکل نخاله‌ریزی در دو طرف بولوار عمار یاسر را مطرح کرد.

حوزه فرهنگی

شهروندی از انتهای محله امیرآباد تماس گرفت و درخواست تغییر کاربری سوله نمک این خیابان به سالن ورزشی برای بچه‌ها را داشت؛ موضوعی که چندی پیش در گزارشی به آن پرداختیم و شهردار نیز در این خصوص پاسخ کاملی به این شهروند ارائه کرد.

حوزه شهرسازی

یکی از ساکنان خیابان چمن ۴۶ از تخلف در ساخت‌وساز یک پلاک در این خیابان خبر داد.

شهرآرامحله پیگیری می‌کند

شهرآرامحله در شماره بعد، از وضعیت نامناسب آسفالت خیابان حر ۵۴ گزارش تهیه می‌کند.

جوان نخبه محله مهرآباد، به تازگی مدال طلای مسابقات رباتیک کشور را کسب کرده است

مسیر طلایی «صالح»



داستان جلد



ذهن کنجکاو
کودکانه

صالح از آن پسر بچه هایی بود که از همان کودکی اهل کندوکاو و کشف هستند. از هفت سالگی فیلم های رباتیک را تماشا می کرد و در شش سالگی، هر بلایی که می توانست سراسباب بازی هایش می آورد؛ هر اسباب بازی ای که به دستم می رسید، سریع بازی می کردم. نهایتاً یکی دو روز اسباب بازی سالم داشتم، بعد قطعاًش را جدامی کردم تا از آن سر در بیاورم.

او حتی به عروسک ها رحم نمی کرد. وقتی عروسک های صدا دار به دستش می رسید، در ذهن کنجکاو کودکانه اش این سؤال حک می شد که خب! این صدا از کجاست و برای پاسخ به این پرسش، دل وروده آن ها را بازی می کرد و روی وسیله دیگری می کاشت تا نتیجه اختراعات اولیه اش را ببیند.

زمان گذشت و او رسید به کلاس سوم دبستان تا اینکه از سوی مدرسه اعلام کردند با پرداخت ۶ هزار تومان، دوره رباتیک برایشان برگزار خواهد شد. آنجا بود که صالح متوجه پیشرفت خود در این حوزه شد؛ ابتدای دوره به ما بسته ای از قطعات مختلف دادند تا با آن ها اشکال مختلف هندسی بسازیم. با خودم می گفتم چرا مربی کارهای پیش پا افتاده را به ما یاد می دهد.

آن دوره آموزشی به دلیل سرمایه پایان نرسیده اما مخترع داستان ما، با همان قطعات، همان سال در مسابقه ای که اعلام شد رباتی جنگجو ساخت، هر چند مسابقه برگزار نشد و به گفته صالح آن ربات شاید هنوز در مدرسه باشد.

اختراعات ریزو
درشت

اگرچه دوره رباتیک کلاس سوم به نتیجه روشنی نرسید، صالح از پانزدهشت و باز هم دست به اختراعات ریز و درشت زد؛ زیرا روحیه ساختن و انگیزه یادگیری که سرمایه ذاتی او بود، همچنان زنده بود. او در گوشه اتاق خودش آنچه را نمی دانست با جست و جوهای اینترنتی و مطالعه سایت ها و کتاب های علمی می آموخت، مانند نام قطعات مختلف، روش های ساخت، عناوین و اصطلاحات علمی و....

این روند ادامه داشت تا اینکه او به کلاس نهم و انتخاب رشته تحصیلی رسید و یک دزدگیر لیزری اختراع کرد. معلم پایه نهم وقتی آن را دید، صالح را تشویق به ادامه تحصیل در هنرستان و رشته الکترونیک کرد اما این انتخاب برای او ساده نبود؛ برای اینکه بتوانم برخلاف اصرارهای پدر و مادرم که می خواستند علوم تجربی را انتخاب کنم، به هنرستان بروم، عمداً بعضی درس هایم را نمی خواندم تا معلم کمتر شود و بتوانم هنرستان را انتخاب کنم.

تا شهریور ماه، خانواده اصرار می کردند که هر طور هست در رشته تجربی ادامه تحصیل بدهد. در نهایت با راهنمایی و تلاش های معلم پایه نهمش، پدر و مادرش هم به این انتخاب راضی شدند.

دوی ماراتن برای
انتخاب مدرسه

انتخاب مدرسه به دوی ماراتن تبدیل شد. آخرین روزهای سال تحصیلی به این نتیجه رسید که نام کنند؛ «به هنرستان مرا به خاطر معدلم نپذیرفتند. از طرف اداره آموزش و پرورش ناحیه رفتیم. ما معرفی کردند.»

مدیر هنرستان دوم با اینکه امکانات هم بهانه معدل پایین صالح را گرفت، پژوهشگر نو جوان ما تا آن زمان سر کار ساز نیفتاد تا اینکه با وساطت آموزگار هنرستان، صالح حوران فر را در رشته این راه برای نخبه محله مهرآباد آغاز به او همچنان ادامه داشت؛ «معلم پایه دهم وقتی پروژه هایم را دید، به خودت نساخته ای!»

اما همیشه در روی یک پاشنه نمی صالح، دریچه های جدیدی از آمیزش روی او باز کردند.

تجربه ثابت کرده است نه تنها صالح، از جوان ها اگر از سوی بزرگ ترهائی تشویق شوند، بدون شک سرعت مضاعف می شود، مانند تشویق صالح در پایه های یازدهم و دوازدهم وقتی یکی از کارهایم را دید گفت «چه قدری قوی بود که هنوز در دهنه است. معلم کلاس دوازدهم هم کارم را و از آن سال، کم کم باره و رسم شرکت آشنا شدم.»

آشنایی صالح با پژوهش سرای ابوریحان سال دوازدهم اتفاق افتاد و به تدریج به پژوهش و تحقیق او رسید.

آشنایی
سرنوشت ساز

در سال دوازدهم تخصصی اش در دانش آموزی که در شرکت کرد و فیلتر نامایش گذاشت؛ «در آن نمایش پژوهش سرای ابوریحان بیرونی، وقتی کرد. شماره اش را به من داد و گفت طرح کار کن.»

صالح ابتدا گمان می کرد این مسئولیت حرفی می زدند و دل داری اش می نمایشگاه زده و حالا هم یادش رفته جمله ویدار سرنوشت ساز را جدی ماه آقای کفایت برای برگزاری دوره ای صالح آمد تا او را ببیند؛ «آقای کفایت بود و وقتی مرادید، شناخت و خواست اولین دیدار از من خواست فیلتر نانوانوم معروف به اتاق تمیز بسازم.»

و هنوز هم صالح با پژوهش سرای او به مدرسه در حوزه رباتیک و اکنون نزدیک به ۱۵۰ مختلف دارد.





حمایت‌های مادرانه و پدرانه

مریم سالاری و قربان حوران‌فر، پدر و مادر صالح جوان هستند که امروز می‌توانند به پسر کوچکشان افتخار کنند. مریم خانم وقتی می‌خواهد از صالح برای ما بگوید، انگار دنیایی از کلمات و تعاریف در ذهنش جای می‌گیرد که نمی‌داند کدام را انتخاب کند اما در نهایت خیلی ساده و مادرانه می‌گوید: خدا را شکر از همه نظر عالی است. هیچ وقت در کوچه دنبال صالح نبودم. یادم می‌آید از بچگی فقط با اسباب بازی هایش بازی می‌کرد و سرش با آن‌ها گرم بود. همیشه حرف گوش کن بود و وقتی جایی می‌خواست برود، از من و پدرش اجازه می‌گرفت. به گفته او صالح از همان بچگی، خلاق و اهل مطالعه بود. به جزئیات دقت می‌کرد و حافظه خوبی برای پردازش اطلاعات داشت. از سکوت چشمان پدر صالح هم می‌توان عمق نگاه و آرزویش را خواند و وقتی خیلی صاف و ساده فقط می‌گوید: به خاطر رتبه‌ای که آورده برایش خیلی خوشحالم و تنها آرزویم این است که آینده روشنی داشته باشد و برای کشورش مفید باشد.

خواهران فداکار

پریسا و پری مهر، خواهران بزرگ‌تر صالح هستند که از هیچ کمکی برای نشان دادن لبخند بر لب برادرشان و کاشتن بذرا امید در دل او دریغ نمی‌کنند. پریسا همان خواهری است که در مسابقات ملی مهارت، به همراه همسرش اسماعیل سالاریان شاد، شبانه بار سفر بستند و عازم تهران شدند تا آن قطعه حساسی را که دانشمند جوان مانیا از دست داشت، برایش تهیه کنند. سالاریان می‌گوید: وقتی صالح ماجرا را گفت، ابتدا من و پریسا گفتیم با قطار به تهران می‌رویم، اما اگر می‌خواستیم بلیت تهیه کنیم و راه بیفتیم، زمان زیادی می‌برد. همسر گفت خودمان راه بیفتیم برویم. پریسا هم که خودش مربی خلاقیت است، پای صالح را به فرهنگ سراهای شهر برای تدریس باز کرده. او خاطره جالبی برایمان تعریف می‌کند. ماجرا مربوط به حضور صالح در یک جشنواره رباتیک در حوزه نظامی می‌شود که برای ساخت و تجهیز آن حدود ۴۰ میلیون تومان نیاز بود؛ وضع مالی ما آن طور نیست که بخواهیم این مقدار را به راحتی تهیه کنیم. من و خواهر و مادرم فکرمان را روی هم گذاشتیم و در نهایت تصمیم گرفتیم طلاهایمان را بفروشیم تا برادرمان به آنچه می‌خواهد برسد. داشتن خانواده‌ای پرمهر در دنیای رنگارنگ امروز، گنجی عظیم است. صالح همین که خانواده‌ای حامی دارد، بزرگ‌ترین ثروت دنیا را دارد.

درخشش بچه‌های خراسان

صالح تاکنون بیش از دوازده ربات ساخته که برخی از آن‌ها، به مسابقات راه پیدا کرده است و توجهات مراکز علمی رامی‌تواند به خود جلب کند؛ از جمله ربات دستیار پزشکی که به صورت دستکش روی دست بیمار قرار می‌گیرد و کارکردهای جالبی دارد. از جمله اینکه می‌تواند برای افرادی که نیاز به توان بخشی دارند، مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی بیماران با این دستیار، می‌توانند فشارخون، میزان قند و چربی خون و بسیاری موارد را که مربوط به تعیین سلامت است، در منزل بسنجند. همچنین پزشکان در عرض چند ثانیه، اطلاعات مورد نیاز خود از بیمار را به راحتی دریافت می‌کنند. همچنین به تازگی صالح و علیرضا مدبری، هم تیمی او از شهر تربت حیدریه (به نمایندگی از استان خراسان رضوی) در بیست و دومین دوره مسابقات ملی مهارت ایران شرکت کردند و توانستند با ربات هوش مصنوعی تشخیص رنگ و نوع میوه، مدال طلای این رقابت‌ها را به دست آورند.

نقطه طلایی

حالا صالح بزرگ‌تر شده و بعد از شرکت در چندین مسابقه، با حمایت‌های پژوهش‌سرای ابوریحان بیرونی، در بیست و دومین مسابقات ملی مهارت ایران حضور یافته است. او به تنهایی مراحل را گذراند و به مرحله استانی راه یافت. در مرحله کشوری، او و برگزیده دیگری از تربت حیدریه که علیرضا مدبری نام دارد، به عنوان نماینده تیم دانش‌آموزی رباتیک خراسان رضوی، در این دوره از مسابقات شرکت کردند؛ مسابقه‌ای که طلای آن به راحتی به دست نیامد. ما بیست روز بعد از اعلام پروژه فرصت ساخت ربات را داشتیم. همه چیز با برنامه ریزی داشت خوب پیش می‌رفت. آزمایش‌های نهایی را هم انجام داده بودیم تا اینکه یکی از قطعات حساس ربات ما خراب شد. حساسیت ماجرا اینجاست که بعد از پیگیری‌های فراوان، صالح و تیمش، متوجه شدند از آن قطعه، فقط یک شرکت تهرانی موجود دارد. آن قطعه اگر قرار بود به صورت عادی خریداری شود، حداقل دوسه روز طول می‌کشید تا به دستشان برسد. باز هم حمایت خانواده، صالح را به آنچه می‌خواست رساند. پریسا، خواهر بزرگ‌تر صالح، به همراه همسرش با خود رو شخصی به سمت تهران راه افتادند. آن قطعه حساس را خریدند و با اولین پرواز به دست صالح و هم تیمی هایش رساندند و در نهایت، تیم خراسان رضوی از میان شانزده تیم شرکت‌کننده، به عنوان رتبه برتر شناخته شد و مسیر طلایی صالح کلید خورد.

تشویق‌های اثراگذار

که بسیاری نشان، حمایت موتور حرکتشان، علم‌های تخصصی هم؛ «معلم کلاس یازدهم به جالب، این جمله ساده من مانده و برایم ارزشمند هایش را به مدیر نشان داد کت در مسابقات رباتیک

بحان بیرونی نیز در همان فکاد که باعث شد انگیزه سیر برایش روشن تر شود.

سم به توصیه معلم درس نمایشگاه هفته پژوهش مایشگاه بین‌المللی برگزار نا نویی ساخت و آن را به شگاه آقای کفایش، مسئول یتی کارم را دید. از آن تعریف بعد از نمایشگاه بیاروی

ل هم مثل بقیه که اغلب دادند، حرفی در شلوغی است؛ به همین دلیل آن گرفت تا اینکه بعد از یک آموزشی به محل تحصیل ش اسم مدرسه ام را یادش ت به پژوهش سرایبایم. در و برای اتاق آزمایش‌های ین دیدار ادامه پیدا کرد رتباط و همکاری دارد. تبدیل شده است نرجو در سنین

استعدادهایی که دیده نمی‌شود

مهری نخعی که دوسالی است مدیر پژوهش‌سرای ابوریحان بیرونی شده است صالح و همه بچه‌ها را همچون فرزندان خود دوست دارد و دغدغه‌های روشن و مهمی نیز برای پیشرفت کاری آن‌ها دارد. او از اینکه ملاک ارزیابی بچه‌های خلاق همچون صالح از سوی مدیران مدارس همچنان معدل است نه استعدادهای ذاتی و نبوغشان، گلایه دارد؛ «بچه‌های پژوهش‌سرا هر کدام استعدادهای فراوانی دارند که متأسفانه از آن‌ها آن طور که باید و شاید، حمایت نمی‌شود. این بچه‌ها با کمترین امکانات و تجهیزات با هزینه‌های شخصی خود، دست به اختراع می‌زنند اما مدیران به کارهای آن‌ها، نگاه پیش پا افتاده‌ای دارند». بانخعی گشتی در اتاق‌ها و فضاهای پژوهشی پژوهش‌سرای زینم که از گوشه و کنار آن، بوی نوآوری و امید به آینده می‌آید. یکی دیگر از اعضای جوان مجموعه، درحال انتقال خود رویی تک سر نشین به نمایشگاه بین‌المللی مشهد برای ارزیابی کیفیت است که با انرژی خورشیدی، تغذیه می‌شود؛ نخعی به این ماشین اشاره می‌کند و می‌گوید: همین کار شاید به نظر ساده بیاید اما ساخت آن با هزار امید و آرزو ساخته شده است که اگر حمایت نشود، می‌تواند یک انگیزه قوی را به زمین بزند.





راه تجربه

اعضای مرکز نیکوکاری، کارآفرینی و توانمندسازی محله شهید رستمی، پای کار همسایگان نیازمندان هستند

تلاش همسایه برای همسایگان گرفتار



او ۵۴ سال دارد و خانواده اش چندین پشت در همین محدوده محمدآباد متولد شدند و زندگی کردند و از این نظر شناخت خوبی از محدوده و اهالی آن دارد. سال ها در پایگاه بسیج شهید اشرفی اصفهانی ۲ مسجد الزهرا (س) فعال بوده و همیشه بخشی از توانش را پای کمک به همسایه ها و هم محلی های نیازمند گذاشته است. او سال ۱۳۷۳ خیریه و هیئت محبان الزهرا (س) راه اندازی کرد. در این مسیر از ارتباطاتش با کسبه محدوده زندگی و محل خدمت در شهرداری هم غافل نشد و به تدریج هفتاد خانوار نیازمند محله را تحت پوشش قرار داد. در نهایت هم کارش را با فعالیت های مرکز مهر رضوی ادغام کرد و در حال حاضر دو خیریه یکی شده اند.

کنار هم بودن مردم دغدغه مند محمدآباد

زارع نژاد درباره فعالیت های فرا تر از تعهد خیریه شان می گوید: بعضی از نیازمندان این خیریه در کمیته امداد پرونده ندارند، ولی ما از احوال همسایه ها اطلاع داریم و در بحران پیش آمده برای خانواده شان حتی الامکان کمک حالشان هستیم. بسیاری از مواقع مشکلاتی برای خانواده ها پیش می آید که موقتی است و با حمایت های اندک و مقطعی برطرف می شود. به عنوان مثال سرپرست خانواده ای چند ماهه بیمار شده بود و حالا که دوباره به سرکار برگشته است. چند ماه اجاره خانه عقب افتاده اش با کمک خیران توسط خیریه پرداخت می شود تا آرامش به خانواده شان برگردد.

او مردم این محدوده را خونگرم، مهربان و صمیمی معرفی می کند و می گوید: شاید اصلی ترین ویژگی اهالی محله، دغدغه مندی شان باشد. اینجا همسایه ها از احوال هم باخبرند و تاجایی که مقدور باشد، حامی هم هستند. ما و اعضای خیریه نیز همانند آن ها هستیم، همان طوری که در این ما اشاره شده است که مسلمان باید از احوال همسایه اش باخبر باشد.

حمایت خیران از نیازمندان

صبح آخرین روزهای دهه فاطمیه است. اعضای مرکز نیکوکاری مهر رضوی، خود را به مسجد الزهرا (س) محله محمدآباد رسانده اند تا با همراهی کارکنان کمیته امداد امام خمینی (ره) منطقه ۵، صد بسته معیشتی شامل روغن، رب، ماکارونی، قند و چای، سویا و حبوبات را به خانواده های نیازمند محله اهدا کنند. این بسته ها از سوی مرکز نیکوکاری امید در خیابان فلسطین به مناسبت ایام فاطمیه اهدا شده است.

حسن تنها، مسئول تعاملات منطقه ۵ کمیته امداد امام خمینی (ره)، فعالیت های مرکز خیریه مهر رضوی در زمینه حمایت های معیشتی، سرزدن به بی سرپرستان و سالمندان محله را جزو فعالیت های شاخص این مرکز معرفی می کند و می گوید: تا به حال همکاری خوبی داشته ایم و در همین راستا قصد داریم تعدادی از بیماران و ازکارافتادگان سالمند محدوده محمدآباد و شهرک شهید بهشتی را به این مرکز معرفی کنیم تا به مشکلات و کارهایشان رسیدگی و مسائل درمانی و معیشتی شان را پیگیری کنند. هدف کمیته امداد در نهایت این است که مشکلات نیازمندان محله توسط خیران و فعالان همان محله رفع شود.

رجبی دلیل این اتفاق را شیوع کرونا و بی نظمی حمایت ها و کمک های خیر می داند. از نظر او شیوع کرونا باعث شد ارتباط بین سفارش دهندگان و سنگ تراشان ضعیف شود. از طرفی فعالیت های مفیدی که در راستای اشتغال زایی انجام شده بود، به سمت کمک رسانی رفت؛ در صورتی که از نظر او حمایت واقعی ایجاد شغل و درآمد ثابت برای نیازمندان است.

او دوباره به اهمیت اشتغال زایی برای نیازمندان اشاره می کند و می گوید: در کنار اشتغال زایی، تعمیر منازل و وسایل نیازمندان و ازکارافتادگان، تأمین جهیزیه، تأمین دارو و خدمات پزشکی، حمایت های تحصیلی و تأمین ارزاق و اجاره بهای خانه ها از دیگر فعالیت های خیریه ماست.

ضرورت مشاوره و مددکاری

محمد باقر سنایی مددکار اجتماعی و بازنشسته بنیاد شهید است. او چند ماهی است که به اعضای اصلی این خیریه که تحت نظارت کمیته امداد امام خمینی (ره) فعالیت می کند، اضافه شده و در حال حاضر نایب رئیس مرکز است. بخشی از کار خیریه، رفع مشکلات و اختلافات خانواده ها و مشاوره بحران افسردگی افراد است؛ بخشی که آقای سنایی در آن متخصص است. او بارها توانسته اختلافات خانوادگی یا حتی مشاجره های نزدیک به جدایی را به صلح و آشتی ختم کند یا مواردی را تعریف می کند که از هم محلی ها به او مراجعه کردند و با چند جلسه مشاوره از اختلافات دور شدند.

شناسایی ۴۰ خانوار تحت پوشش خیریه

سنایی در ادامه به محدوده فعالیت خیریه اشاره می کند و می گوید: فعالیت ما در گستره محدوده خیابان محمدآباد، بخشی از خیابان شهید ابراهیمیان، بولوار مصلی و محدوده شهید رستمی است. پیش از این، فعالیت هایمان بیشتر معطوف به نیازمندان و کم بضاعتان بود، اما در چند ماه اخیر، فعالیتیمان را برای شناسایی بی سرپرستان اعم از کودکان و سالمندان، ازکارافتادگان و بیماران شروع کردیم. همه این فعالیت ها با همکاری کمیته امداد امام خمینی (ره) منطقه ۵ انجام می شود و در حال حاضر چهارصد خانوار این محدوده در مرکز ما پرونده دارند. این خانوارها عمدتاً از دهک یک تا سه هستند.

از خیریه محبان الزهرا (س) تا مهر رضوی

دفتر خیریه، بخشی از پارکینگ منزل محمد حسین زارع نژاد است. او خیر و نیکوکار با سابقه محله شهید رستمی و بازنشسته سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد است که در حال حاضر، عضو هیئت مدیره این مرکز و مسئول مالی و پشتیبانی است.

سید محمد عطائی | اتاقی کوچک در کوچه شهید ابراهیمیان ۸ محله شهید رستمی. یک میز، چند صندلی و تعداد زیادی پرونده که هر کدام مربوط به نیازمند، سالمند یا گرفتاری است. اینجا مرکز نیکوکاری، کارآفرینی و توانمندسازی «آبشار مهر رضوی» است؛ خانه امید چهارصد خانوار مددجو.

سه فعال اجتماعی محله شهید رستمی چند سال پیش آستین بالا زدند و با تأسیس این مرکز به فکر بازکردن گره های زندگی همسایگانشان افتادند. با فعالیت هایی از جمله تأمین بسته های معیشتی و دارو و درمان، فراهم کردن جهیزیه، نوشتن افزایش اجاره خانه و...

اعضای این خیریه واسطه خیر هستند و از ارتباطاتشان استفاده می کنند تا خیران سراسر شهر به ویژه کسبه خیابان مصلی و شهید رستمی را پای کار گره گشایی از زندگی هم محلی های نیازمند بکشانند.



به نیت اشتغال در حوزه فیروزه تراشی

تأسیس مرکز نیکوکاری و خیریه آبشار مهر رضوی به ۱۰ سال پیش برمی گردد. درخواست تأسیس این خیریه ابتدا از طرف اتحادیه صنف فیروزه تراشان ارائه شد؛ زیرا محمد رجبی دهسرخ، رئیس این مرکز، مسئول بسیج صنف فیروزه تراشان است. محمدآقا درباره ایده اولیه تأسیس این مرکز می گوید: نیتمان در ابتدا مربوط به همین صنف بود و قصد داشتیم زنان سرپرست خانوار و معلولان و افراد کم توان حرکتی بتوانند در منزلشان حرفه فیروزه تراشی را دنبال کنند. مهم ترین نکته درباره این حرفه، سرمایه اولیه کم آن است و اینکه هنر جو سریع به کار مسلط می شود. این حرفه در شهر نیشابور رونق خوبی دارد، اما در مشهد ضعیف است و هنوز جانپناهیافته است.

طبق گفته او این طرح برای اولین بار در محله محمدآباد مشهد اجرایی شد؛ تاکنون حدود ۱۰ نفر در محله کار فیروزه تراشی را یاد گرفته و مدتی هم از این طریق درآمد خوبی داشته اند؛ اما در حال حاضر سفارش ها آن طور که باید نیست.

ویژه برنامه شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) در محله نیزه با استقبال خوب شهروندان همراه بود

غرفه های مهربانی در کوچه بنی هاشم(ع)



هیئتی محله نیزه، اعلام آمادگی کرده اند و این اولین شبی است که در جای خانه حضرت زهرا(س) خدمت می کنند. رقیه زارع، نرگس ذوالفقاری و زهرا عزیزی، سه دختر نوجوان هم در غرفه کودک و نوجوان مشغول نقاشی کشیدن و نوشتن دل نوشته هستند. هر سه از سمت زوج بولوار شهید آوینی یعنی منطقه ۴ به اینجا آمده اند. یکی شان صدای برنامه را شنیده و دو نفر دیگر تعریف اینجارا از دوستانشان در مدرسه شنیده است. حس و حال خوبی دارند که اینجا دور هم هستند و می توانند نقاشی ها و دل نوشته هایشان را به حضرت زهرا(س) تقدیم کنند.

● کار فرهنگی نه صرفاً آیینی

سید مصطفی حسینی، رئیس شورای اجتماعی محله نیزه، درباره ایده برگزاری این رویداد می گوید: مدت هاست که جای خانه حضرت زهرا(س) شب های جمعه در این مکان فعال است و مورد استقبال هم محلی ها و ساکنان گلشهر و اطراف قرار گرفته است. برای همین بایست نهاد اعضا قرار شد کار را گسترش دهیم و برای اولین بار این نمایشگاه یا دورهمی را در دهه فاطمیه برگزار کردیم.

حسینی ادامه می دهد: نیت ما این بود که تنها یک دورهمی مذهبی و آیینی نباشد و بتوانیم خوراک فرهنگی لازم را برای این محدوده از شهر فراهم کنیم. هم محلی ها هم پای کار آمدند، چه آن ها که غرفه ها را مدیریت می کنند و چه بازدیدکننده ها و هر شب بیش از ۱۵۰۰ نفر به اینجا تشریف می آورند.

بایکی از نوجوانان محجبه غرفه به زیبایی روسری را روی سرش می بندند و پابینش را با گیره طلایی جمع می کنند. او می گوید: کاش بشود با حمایت مسئولان و خیران، نه فقط در مناسبت ها، بلکه هر هفته پنجشنبه شب ها این برنامه را برگزار کنیم؛ چون خواسته اهالی هم همین است و دائم این را مطرح می کنند.

● فرصتی برای خدمت به مردم

صدیقه ابراهیمی، پرستار و ساکن محله نیزه، در غرفه داوطلبان جمعیت هلال احمر نشسته و تست فشارخون بازدیدکنندگان را می گیرد. او می گوید: فقط بحث کنترل فشار نیست. اینجا شراپیتی فراهم شده است تا بتوانیم با تعداد زیادی از هم محلی ها درباره مشاوره بهداشتی، درمانی و تغذیه گفت و گو کنیم. محمد صالح یوسفی و مهدی منصوری، دو نوجوان بسیجی و

عطایی ویژه برنامه ایام شهادت حضرت فاطمه(س) در محله نیزه متفاوت و خاص برگزار شد. قسمتی از پیاده رو حاشیه بولوار شهید آوینی، بین شهید آوینی ۴۵ و ۴۷ با داربست مسقف شد و غرفه هایی در دو طرف این راهرو میزبان شهروندان بودند. از غرفه حجاب و هلال احمر گرفته تا بازی و نقاشی کودکان، صنایع دستی، مشاوره و همچنین جای خانه. این برنامه با استقبال خوب شهروندان روبه رو شد و حالا قرار است در هر مناسبت مذهبی و آیینی تکرار شود.

● هدیه ای به دختران کوچک

جمعیت زیادی در رفت و آمد هستند. ردیف صندلی ها در فضای باز و مقابل ویدئو پروژکتور قرار گرفته و فیلم های کوتاه با مضمون عزاداری و نوحه خوانی پخش می شود. در قسمت مسقف شده، ابتدا غرفه های شهدا، همدلی، هلال احمر، عفاف و حجاب قرار دارند و در ادامه نیز غرفه خدمات شورای اجتماعی محله، صنایع دستی، مشاوره احکام شرعی، جای خانه حضرت زهرا(س)، کتاب و کتاب خوانی، گفتن فاطمی، کودک و نوجوان و در نهایت غرفه دل نوشته به مادر در دوسوی این نمایشگاه دیده می شود. مرضیه فلاح، خادم یار حرم مطهر و فعال فرهنگی محله نیزه، مسئولیت غرفه عفاف و حجاب را بر عهده دارد. او دوستانش با هزینه شخصی و کمک خیران، تعدادی روسری و گیره تهیه کرده اند و به کودکان دختر هدیه می دهند. این مراسم هم آداب خاصی دارد. کودک جلوی آید، خانم فلاح



مسجد امام حسن مجتبی(ع)، از معدود پاتوق های فرهنگی محله است

حلقه پرشور نوجوانان اروند



عیدگاه

● جایی برای یاد گرفتن

امام جماعت مسجد، حجت الاسلام والمسلمین رمضانعلی رضایی است که دوازده سال در همین محله زندگی می کند و هر شب نماز مغرب و عشاء در این مسجد اقامه می کند. حدود یک سال پیش تصمیم گرفت حلقه صالحین را راه بیندازد؛ جمعی کوچک که حالا بزرگ شده و به گفته خودش هر جلسه پنجاه تا شصت نفر از کودکان و نوجوانان محله را دور هم جمع می کند. توضیح می دهد که هدفش فقط آموزش قرآن نیست، بلکه می خواهد مسجد برای بچه ها مکانی دل نشین و خاطره ساز باشد؛ جایی که با شوق بیایند، نه از سر اجبار. برای همین، جلسه ها را فقط به خواندن آیه ها محدود نمی کند. وسط بحث ها مسابقه و بازی می گذارد، گاهی سؤال های سرگرم کننده می پرسد و جایزه می دهد تا فضای جلسه گرم تر شود. کنار این برنامه های هفتگی، گاهی اردوهای تفریحی هم برگزار می کنند. رضایی می گوید: این ها همه کمک می کند بچه ها با مسجد انس بگیرند و بدانند که اینجا فقط محل نماز نیست؛ جایی است برای یاد گرفتن، رفاقت و رشد.

● مسابقه، معما و جایزه

یکی از شرکت کنندگان فعال جلسه، محمد مهدی آدینه، متولد سال ۹۱ است. بعد از پایان حلقه، با هیجان کودکانه اش تعریف می کند که اولین بار در مدرسه از دوستانش شنیده بوده که مسجد انتهای خیابان، بعد از نماز، برنامه ای مخصوص بچه ها دارد. کنجکا و شده و یک شب همراهشان آمده است؛ «دیدم جلسه خوبی است و گفتم از این به بعد می آیم». حالا دیگر پای ثابت جلسه است و می گوید که اینجا دوستان جدید پیدا کرده. کنار او علی دانایی نشسته که یکی دیگر از شرکت کنندگان پراثرتری جلسه است. بچه ها درباره اش می گویند که آیه ها را از همه زودتر حفظ می کند و حتی نوبت به قرائت می رسد، تجوید را آن قدر خوب رعایت می کند که خیلی هایشان از او کمک می گیرند. علی خودش هم با سادگی و اطمینان سرش را تکان می دهد و می گوید: امام جماعت ما فقط قرآن نمی خواند و ما اینجا مسابقه و معما داریم که جلسه جذاب تر شود.

نیکی و عقیده در انتهای خیابان اروند، مسجد امام حسن مجتبی(ع) یکی از معدود مکان هایی است که برای کودکان و نوجوان های محله اروند برنامه فرهنگی منظم دارد. سه شب در هفته، بعد از نماز مغرب و عشا، بچه ها دور هم جمع می شوند و حلقه صالحین تشکیل می شود؛ جمعی صمیمی که امام جماعت مسجد آن را اداره می کند. پاتوقی گرم و صمیمی برای گذراندن لحظات دوستانه کنار هم محله ای ها.

● حلقه صمیمی قرآن آموزی

کوچه باریک و خلوت است و انتهای کوچه، نور چراغ مسجد چشمک می زند. حالا که نماز تمام شده است، بچه ها وسط شبستان حلقه زده اند. هر کدام رحل چوبی شان را جلو گذاشته اند و با دقت، آیات را آرام آرام می خوانند. امام جماعت کنارشان نشسته است؛ همان قدر نزدیک که انگار یکی از خودشان است و سال هاست این جمع را می شناسد. بالبلخی که کوتاه و لحنی گرم، اشتباه ها را دوستانه گوشزد می کند؛ طوری که بچه هایی خجالت سرشان را بالا می آورند و دوباره از نومی خوانند. بعد از خوانش قرآن نوبت به صحبت و گفت و گو می رسد. موضوع صحبت این بار فضایی مجازی و استفاده درست از آن است. بچه ها رحل ها را کمی کنار می کشند و حلقه شان جمع و جورتر می شود. امام جماعت، آرام و بی تکلف، شروع می کند به طرح سؤال، هرکس

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، ارونند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهیدرجایی

محلات منطقه‌ها

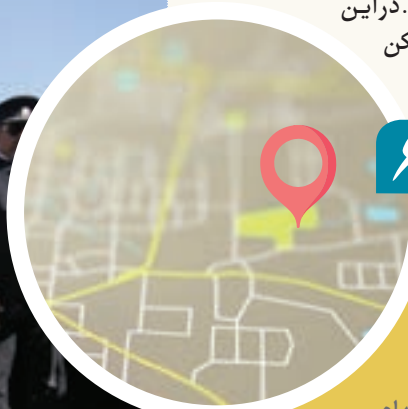
مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



دوشنبه شب مراسم یادبود و استقبال از شهید گمنام با حضور بیش از چهارصد نفر از اهالی کوی عمار یاسر هم‌زمان با شام غریبان حضرت زهرا^(س) در مسجد جواد الائمه^(ع) برگزار شد. در این برنامه یادنامه خوانی شهدا، مداحی و سخنرانی اجرا و در ادامه، آیت‌ای از قرآن و نیز حدیث کساء قرائت شد.



روزیکنشنبه هفته گذشته، فرهنگ سرای غدیر در محله شیرودی، اولین ایستگاه میزبانی از پیکر شهید گمنام بود. در این مراسم، جمعی از مسئولان، خانواده شهدای ساکن منطقه، اعضای شورای اجتماعی محلات و جمع کثیری از شهروندان حضور داشتند.



منطقه ۵ و ۶ شهری

میزبان پیکر مطهر شهدای گمنام جنگ تحمیلی بودند

مهمانانی غریب، اما آشنا

عطایی: خیابان‌ها و کوچه‌های منطقه ۵ و ۶، هفته گذشته و هم‌زمان با ایام دهه فاطمیه متبرک به حضور پیکر مطهر شهدای گمنام شد. حضور مردم در این مراسم، پرشور و چشمگیر بود و نشان از قدردانی آنان در برابر ایثار و از خودگذشتگی شهدا داشت.



بانویی همراه دختر و پسرش از منطقه ۶ به اینجا آمده است تا ضمن ادای احترام به این شهدای والا مقام، فرزندان نوجوانش را بیشتر با فرهنگ شهادت و ایثار آشنا کند.



روز چهارشنبه حال و هوای منطقه ۵ با بدرقه پیکر سه شهید گمنام دفاع مقدس معنوی‌تر بود. پیکر این شهدا ابتدا از مسجد صاحب‌الزمان^(عج) محله حسین‌آباد با حضور پرشور مردم تشییع و با برگزاری مراسمی باشکوه، در زائر سرای حاشیه بولوار چمن به خاک سپرده شد.